

# نگاه نو مضمون تازه

O انسیه موسویان



عنوان کتاب: پرزرد قناری  
سراینده: ناصر کشاورز  
تصویرگر: نیکو مقدم  
ناشر: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان  
نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۳  
شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه  
تعداد صفحات: ۱۴۰ صفحه  
بها: ۷۵۰ تومان

و یا در شعر «پنبه را دوست دارم»، ضمن توصیف مزرعهٔ پنبه و بیان مراحل تولید پنبه به زبان ساده، ذهن کودک را متوجه این نکته می‌کند که بالشی که هر شب بی‌تفاوت روی آن سر می‌گذارد، از چه چیزی و چگونه تهیه شده است:

تازه من حس می‌کنم که  
پنبه‌ها را دوست دارم  
با همین حس من سرم را  
روی بالش می‌گذارم

شعر «پنبه را دوست دارم»

دسته دوم، شعرهایی است که شاعر در آن اتفاق‌های کوچک و شاید بی‌اهمیت زندگی را برجسته می‌سازد و با زبانی شاعرانه بیان می‌کند. در نگاه شاعر، هر چیز ساده و هر اتفاق پیش پا افتاده، می‌تواند موضوع یک شعر باشد؛ از رفتن به مغازهٔ سلمانی تا نخ کردن سوزن به وسیلهٔ مادر بزرگ که چشم‌هایش کم سوست و یا گریه کردن مادر هنگام رنده کردن پیاز.

کشاورز در این شعرها، ابتدا به توصیف می‌پردازد؛ آن هم توصیف از نوع دقیق، جزئی و ملموس که به کودک در دریافت مفهوم شعر، کمک زیادی می‌کند. نمونهٔ این توصیف‌ها را در شعر «سلمانی» می‌بینیم؛ آن جا که شاعر مانند یک نقاش، آن چه را دیده، به تصویر کشیده است

چه جوری رفته‌ای تو  
در آن بالای بالا  
مواظب باش یک وقت  
نیفتی بر سرما

«شعر ماه»

گاه با استفاده از آرایهٔ تشخیص و جان‌دار پنداری، رابطه‌ای صمیمانه میان کودک و عناصر طبیعت برقرار می‌کند؛ مانند شعر «پرزرد قناری» که در آن کودک با باد صحبت می‌کند، دوست می‌شود و سرانجام باد به او پر قناری هدیه می‌دهد:

میان کوچه بودم  
که آمد ناگهان باد  
صدایی کرد و محکم  
درختان را تکان داد...

\*

گمانم سعی می‌کرد  
بگوید که منم: باد  
به تو کاری ندارم  
به من یک هدیه هم داد

\*

بله آن هدیه پر بود  
پرزرد قناری  
که زد آن را به مویم  
برای یادگاری

شعر «پرزرد قناری»

کتاب «پرزرد قناری»، در برگیرندهٔ ۱۰ سرودهٔ تازه از ناصر کشاورز است. در سروده‌های این مجموعه، به لحاظ مضمون، تنوع زیادی به چشم می‌خورد. می‌توانیم این شعرها را از لحاظ مضمون، به چند دسته تقسیم کنیم:

دستهٔ اول، شعرهایی است در مورد عناصر و پدیده‌های طبیعی؛ از جمله شعرهای باد، پنبه را دوست دارم، ماه و...

همان گونه که می‌دانیم، از مهم‌ترین موضوع‌های مطرح در شعر کودک، همین توصیف طبیعت و پدیده‌های طبیعی است.

در این سروده‌ها، شاعر دست کودک را می‌گیرد و او را با خود به دامن طبیعت می‌برد. در این سفر شاعرانه، از کنار بسیاری از پدیده‌های طبیعی گذر می‌کند و ذهن مخاطب خویش را متوجه عناصری می‌کند که شاید تاکنون بارها دیده، اما از کنار آن‌ها بی‌تفاوت گذشته است. او در این مسیر، تنها به توصیف صرف نمی‌پردازد، بلکه گاه ذهن کودک را درگیر یک سؤال می‌کند و به فکر و تأمل وا می‌دارد:

سلام ای ماه زیبا!  
که شب در آسمانی  
چه جوری می‌توانی  
در آن بالا بمانی؟

\*

آقای سلمانی

یک مرد خوشرو بود

روی سرش اما

یک عالمه مو بود

\*

او قیچی خود را

چق چق تکان می داد

آینه‌های گنده

ما را نشان می داد

\*

بابا مرا می دید

از توی آینه

میز درازی بود

پهلوی آینه

ابزار سلمانی

پر بود روی میز

قیچی، برس، شانه

با تیغ‌های تیز...

شعر «آقای سلمانی»

نمونه دیگری از توصیف را در شعر «نخ و

سوزن» می‌بینیم:

مادر بزرگم داشت

می‌دوخت یک دامن

در دست لرزانش

نخ بود و یک سوزن

بین دو انگشتش

سوزن تکان می خورد

را دوست دارم»

ضمن توصیف مزرعه پنبه و بیان مراحل تولید پنبه به زبان ساده،

ذهن کودک را متوجه این نکته می‌کند که بالشی که هر شب

بی تفاوت روی آن سر می‌گذارد، از چه چیزی و

چگونه تهیه شده است

در نگاه شاعر، هر چیز ساده و هر اتفاق پیش پا افتاده،

می‌تواند موضوع یک شعر باشد: از رفتن به مغازه سلمانی

تا نخ کردن سوزن به وسیله مادر بزرگ که چشم هایش کم سوست

و یا گریه کردن مادر هنگام رنده کردن پیاز

نخ را که می‌لرزید

نزدیک آن می‌برد...

شعر «نخ و سوزن»

نکته‌ای که در مورد این شعر و نیز شعر «آقای

سلمانی» جالب به نظر می‌رسد، طنز ظریفی است

که شاعر در آن به کار برده است. در شعر «آقای

سلمانی»، این طنز حاصل یک «پارادوکس» است.

آقای سلمانی که کارش، کوتاه کردن موهای

دیگران است، خودش موهایی بلند دارد. همین

نکته باعث می‌شود که از زبان راوی شعر بخوانیم:

آقای سلمانی

کارش بدان سخت است

در فکر رفتم که

طفلك چه بدبخت است!

\*

چون مشتری هایش

هی می‌رسند از راه

موی خودش را پس

کی می‌کند کوتاه؟

«شعر آقای سلمانی»

این طنز به گونه دیگری در شعر «نخ و

سوزن» هم مشاهده می‌شود؛ آن جا که مادر بزرگ،

با دست لرزان و چشمان کم سو، در حال نخ کردن

سوزن است، ناگهان خوشحال می‌شود و حس

می‌کند سوزن را نخ کرده، اما راوی می‌گوید:

گفتم به او احسنت!

بوسیدم او را زود

اما هنوز آن نخ

بیرون سوزن بود!

شعر «نخ و سوزن»

ضمن این که کلمه عربی «احسنت»، آن هم از

زبان یک کودک، در این جاندکی غیر طبیعی به

نظر می‌رسد و خوش نشسته است.

در دسته دیگری از سروده‌های این کتاب،

کشاورز به بیان روابط کودک با خانواده و هم سالان

می‌پردازد؛ مثل شعرهای: سیب، موش کاغذی،

پدر و... در این شعرها، آن جا که پیام و



شاید این انتظار بی جایی نباشد اگر بخواهیم که  
تصاویر لاقبل با مضمون شعرها تناسب داشته و دارای  
ساختار صحیح و بی عیبی باشد. در کتاب «پر زرد قناری»،  
رنگ‌های به کار رفته در نقاشی‌ها، رنگ‌هایی سرد،  
مرده و کدرند و فضاها اغلب تار و تیره ترسیم شده‌اند.  
هم چنین چهره کودکان، غمگین و افسرده و گاه بیمار  
به نظر می‌رسد

از میان آرایه‌های ادبی که مناسب شعر کودک هستند،  
در این کتاب، شاعر بیشتر از تشبیه و تشخیص بهره گرفته است

نتیجه‌گیری شعر، به شکل شاعرانه و غیر مستقیم  
بیان می‌شود، زیباست و صمیمی، مانند بند پایانی  
شعر پر زرد قناری:

همین که رفت تازه  
شدم غمگین و دلخور  
که از کار قشنگش  
نکردم من تشکر!

شعر «پر زرد قناری»

و یا در شعر «پدر» که احساس راوی و  
برادرش، از دوری پدر و سپس شادمانی پس از  
حضور او، به زیبایی بیان می‌شود:

صدای زنگ او  
اگر شود بلند  
همه به سوی در  
هجوم می‌برند  
\*

اتاق ما پُر از  
سلام می‌شود  
تمام غصه‌ها  
تمام می‌شود...

«شعر پدر»

اما در آن بیت‌هایی که شاعر نقش معلم  
اخلاق را بازی می‌کند و به موعظه می‌پردازد، شعر  
دچار مستقیم‌گویی شده و به شعار نزدیک  
می‌شود:

خواهرم! غصه نخور  
شستن آن ساده است  
لکه جوهر به تو  
درس خوبی داده است  
خوب اگر دقت کنی  
درس در هر چیز هست  
مشکلات زندگی  
راه حلش نیز هست...

شعر «چی شده خواهر بگو!»  
از میان آرایه‌های ادبی که مناسب شعر کودک  
هستند، در این کتاب، شاعر بیشتر از تشبیه و  
تشخیص بهره گرفته است؛ تشبیه‌هایی که در عین  
سادگی و صمیمیت، گاه تکراری به نظر می‌رسد:

تو گاهی گود و گاهی  
به شکل داس تیزی  
تو هم مانند خورشیدی  
برای ما عزیز

تو در شب‌های تاریک  
چراغ خواب مایی  
تو نقره رنگ هستی  
و او زرد و طلایی

شعر «ماه»

من از حیاط او را  
به حال گریه دیدم  
کبوتری شدم زود  
به سوی او پریدم

شعر «برو نیا به اینجا»

نمونه بارز تشخیص، در شعر «پر زرد قناری»  
بود که در سطور پیشین بدان اشاره شد.

در کنار تمام این نکات، ذکر چند نمونه از  
ضعف‌های زبانی شاعر در برخی بیت‌ها، لازم به  
نظر می‌رسد که از روانی و صمیمیت شعرها کاسته  
است؛ مانند نمونه‌های حشو در بیت‌های ذیل:

بله، آن روز سیب من  
دو قسمت شد ولی با پوست  
چه زیبا بود در دستم  
کنار هم دو قلب دوست

شعر «سیب»

که در این بند، کلمات «بله- ولی با پوست»  
کاملاً اضافی‌اند.

و یا در بند:  
آقای سلمانی  
کارش بدان سخت است  
در فکر رفتن که  
طفک چه بدبخت است!

شعر «آقای سلمانی»

که کلمه «بدان» حشو است و صرفاً به خاطر  
پر کردن وزن آمده. نکته دیگر این که جابه‌جایی  
ارکان جمله در شعر بزرگسال، به ضرورت وزن،  
شاید گاه طبیعی به نظر برسد، اما بهتر است در شعر  
کودک تا حد امکان از این جابه‌جایی‌ها پرهیز شود  
و روال طبیعی جمله حفظ گردد. مثلاً در بیت دوم  
این بند، جمله از روال طبیعی خارج شده است:

واقفاً خیلی عجیب است  
کارهای این طبیعت  
خاک‌ها را با کمی آب  
پنبه کردن نیست راحت

شعر «پنبه را دوست دارم»

صحبت درباره تصویرگری کتاب، به لحاظ  
فنی، وظیفه متخصصان و کارشناسان این فن  
است، اما ذکر چند نکته در مورد تصاویر این کتاب  
را - در حد درک ناچیز و اندک خود - لازم می‌دانم:  
همان گونه که می‌دانیم تصویرها در  
کتاب‌های کودک، نقش مهم و اساسی ایفا  
می‌کند. معمولاً نقاشی‌ها به کودک کمک می‌کند  
تا درک بهتر و وسیع‌تری از مفهوم شعر به دست  
آورد. تصاویر به ویژه در کتاب‌های شعر، خیال  
کودک را پرواز می‌دهد و دید او را وسعت  
می‌بخشد. نمی‌خواهم این حرف کلی و کلیشه‌ای  
را تکرار کنم که تصاویر مناسب برای کودکان  
حتماً باید شاد باشد، اما شاید این انتظار بی‌جایی  
نباشد اگر بخواهیم که تصاویر لاقبل با مضمون  
شعرها تناسب داشته و دارای ساختار صحیح و  
بی‌عیب باشد. در کتاب «پر زرد قناری»،  
رنگ‌های به کار رفته در نقاشی‌ها، رنگ‌هایی  
سرد، مرده و کدرند و فضاها اغلب تار و تیره ترسیم  
شده‌اند. هم چنین چهره کودکان، غمگین و  
افسرده و گاه بیمار به نظر می‌رسد. حتی در شعر  
«سیب» که مضمون نسبتاً شادی دارد، باز چهره  
کودک، غمگین است.

این تصویرها به جای آن که ذهن و خیال  
مخاطب را برانگیزد و پرورش دهد، حس رکود و  
افسردگی را به او القا می‌کند. چنان که تصویر  
مربوط به شعر «پنبه را دوست دارم»، حقیقتاً مرا به  
یاد کارتون «بینوایان» انداخت: کودکی که روی  
یک تخت چوبی خشک خالی، سرش را بر بالش  
نهاده است!

درک نقاش از شعر، در تصویرگری موفق آن،  
نقش مهمی دارد و به نظر می‌رسد تصویرگر این  
کتاب، ارتباط مناسبی با شعرها برقرار نکرده است.